



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۹/۰۳/۲۴

دوکتور صلاح الدین سعیدی

## صلح و تناقضات در تلاشهای ما!

میخواهم ترجمان شوم! ترجمان آنچه میگویم و آرزو داریم تابه آن برسیم و آنچه میکنیم. آیا راه ها و وسایلی به کار گرفته ایم ما را به اهداف ما رسانیده میتواند و یا راه گم کرده ایم و رهنما نداریم؟

مستقیم به مثالهای مشخص:

علم، تجربه و منطق سخن ثابت ساخته که در سیاست خیر و خیرات نیست، اصل منافع و مصالح اند، دوستی و دشمنی نیز هم برپایه منافع و مصالح اند. به این اساس دوست سیاسی امروز، دشمن سیاسی فردا و یا بر عکس شده میتواند. علوم بشری به علوم ساینسی (اگزکت ساینس) و علوم اجتماعی (سوسیال ساینس) تقسیم میشوند. قواعد، قوانین و نتیجه گیری ها در علوم اجتماعی با قواعد، قوانین و نتیجه گیری ها در علوم ساینسی (اگزکت ساینس) متفاوت اند!

در علوم ساینسی، یک جمع یک دو است اما در علوم اجتماعی، مثلاً قانونمندیهای تکامل جامعه و حالات سیاسی ممکن در صد مورد یک نوع اما در حالت صدویک قانونمندی و حالت چیزی دیگری شود.

با این مقدمه به تناقضات در پالیسی های کشور و جامعه خود میرویم که عامل ادامه تراژیدی تباه کننده ملت افغان و جنگهای خانمان سوز طولانی و جانکاه ما شده و هنوز به عمق نقص و تناقضات تباه کن یا پی نبرده و یا به آن متوجه نیستیم و مسایل را سرسری روزگزرانی داریم!

ما تأکید داریم و چنین هم است که عمدتاً جنگ در کشور ما عوامل خارجی دارد و از خارج بر ما تحمیل میشود.

ما تأکید داریم که این تفنگ دیگران و این جنگ دیگران است که میجنگیم و به برادر گشتی مصروفیم،

ما تأکید داریم که مورد تجاوزیم و دفاع از خاک و ناموس وطن وجیبه و فرض است،

تأکید دارند که در کشور عساکر کفری مسلط اند و جهاد وجیبه است،

ما تأکید داریم و علم تأکید دارد که مصالحه سیاسی و تفاهم سیاسی که منجر به صلح دوامدار و نه توقف و نفس گیری برای جنگ دیگر شود، یک اصل غیر قابل انکار است،

ما تأکید و ادعا داریم که ما مسلمانیم و کسیکه کلیمه لاله الا الله گفت، برادر و خواهر مسلمان است،

ما به والصلح خیر، ایمان داریم،

ما به افغانستان سرزمین واحد و مشترک و اقوام ساکن در آن آن با هم برابر و برادر و در برابر قانون باید یک برابر و قانون باید بر همه یکسان تطبیق شود،

ما باور داریم....

اما چه شد و چه میشود که ما در تناقض و درخلاف این همه باورها، اعتقادات و اشیای ثابت در علوم انسانی و در خلاف منطق سخن عمل میکنیم و خود در ادامه تراژیدی خویش وسیله میشویم؟

به همه پرداختن ایجاب بحث و وقت طویل و عریض را دارد اما در ذیل به دوسه مطلب داغتر آن پرداخته ، میشکافم و به آن میروم.

اگر خارجی ها در تمویل جنگ در کشور ما و بر ما منفعت دارند، اگر میگوییم تفنگ دیگران است و ما قربانی بازی دیگران ایم، و اگر دیدیم و تجربه کردیم و زمان ثابت کرد که دیگران اند که ضعف ما و بر خون ما تجارت دارند ،

چطور ممکن است که همین منابع و همین دیگران محل و مرجع نجات ما در عالم اسباب شوند؟ چه منطق و چه چیز تغیر کرده که حال طور دیگر کنند؟

مگر مشکل امریکا، روس، چین، هند، پاکستان، سعودی و ایران بین شان حل شد که دست از سرما بردارند و دیگر ما را بین هم نه جنگانند؟

چه تغیر کرده و چه مصلحت پاکستان بدست آمده که دیگر دست از سر ما بردارد. آیا افغانستان ایالت پنجم پنجاب شد، سرکهای افغانستان به روی پنجاب، آزاد و راههای مواصلاتی پنجاب به آسیای میانه شد، به سرزمینهای اشغالی

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

افغانستان توسط پنجاب قبول و صحنه گذاشته شد، چوب، آب و برق افغانستان باید دوامدار و رایگان به پاکستان برود و افغانستان باید باغچه عقبی پنجاب بماند و سیاست کدوری پاکستانی در افغانستان عملی شود و .... کدام یک از این عملی شده که پاکستان در برابر افغانستان سیاست دیگر داشته باشد؟ درین صورت این در تناقض صریح با این تأکید عده از تحلیل گران و سیاسیون جهان است که قلقله گنان اظهار میدارند در امر تأمین صلح و استقرار افغانستان باید اجماع منطوقی حاصل شود و برویم از پاکستان و ایران تقاضای کمک و مساعدت و یا اجماع کنیم.

بلی تناقض صریح و حرف جاهلانه همین است. پاکستان به میل خود طالبان را به میز مذاکره نه آورده. پاکستان تحت فشار طولانی ابر افتضاحات در روشن شدن ماهیت اش و وضع اقتصادی غیر قابل تحمل درین مورد به ظاهر مساعدت کرد که از پروپاچی سیاسی، اقتصادی خویش جلوگیری کند. نقش هند در افشای ماهیت کاذب پاکستان و ماهیت کارهای شان در سطح جهانی پاکستان را در قسمت آوردن طالب به میز مذاکره و بخاطر ادامه جزیه گیری پاکستان از امریکا اقدامات ظاهری کرد. اما مواضع حرکت طالب مبنی بر اینکه مصالحه میکند اما مذاکره نمی کند و مذاکره یعنی تسلیم گرفتن قدرت سیاسی در افغانستان و تهدید دوامدار به قتل و غارت، همه و همه ثابت میسازد که ناکامی این مذاکرات را پاکستان از قبل تضمین کرده و این مذاکره و مصالحه و این کمک کمک پاکستان نیست. پاکستان مکلف به قطع تمویل تروریستان است و این تمویل از جانب پاکستان به صورت یقین دوام دارد. تروریست خوب و بد کما کان در سیاست پاکستان وجود دارد و است. تمام حرکات پاکستان هیچ تغییر عملی را در مواضع دشمنانه پاکستان علیه افغانستان نشان نمی دهد و این تناقض صریح در قول و عمل پاکستان وجود دارد و است. در همچو حالت تأکید به کسب رضایت همسایه ها برای رسیدن به تفاهم لین الافغانی در تناقض صریح به عملی بودن رسیدن به صلح و استقرار داریم و این باید تغییر کند.

### واما توضیح یک به ظاهر تناقض در مواضع خودم:

من که در تمام اظهارات و مواضع قبلی از مذاکره و مصالحه دفاع میکردم که نزد بعضی تصور مدافع حرکت طالب را از من داشتند، حال چرا در تناقض به آنم؟ توضیح: تناقض در مواضع نیست و طالب یک جزء چهره سیاسی کشور و جامعه ماست و حق دارد در نتیج سیاسی از طروق مشروع و اراده ملت جایگاه خود را داشته باشد. تلاش گروه مذاکره کننده به نام طالب با مواضع نفی دیگران، رسیدن به قدرت در معامله به غیاب ملت و تحمیل افکار و نسخه های خویش بر دیگران قابل قبول نیست و این دو موضع من یک موضع و در تناقض نیستند. خوش بودن به وجود طالب در مسابقه کسب مشروعیت از ملت مسلمان دلیل بر توافق من بر نسخه ها و فهم شان از دین، نیست. یکبار دیگر از طالب اسیر در دست منافع ستراتیژیک پاکستان استدعا دارم که از اسارت پاکستان و مواضع غیر عملی خود را خارج کند! با مواضع خطاء سبب ادامه خونریزی ناروا در افغانستان و منطقه نه شوید. غلط فهمی نه شود. منظوم سفارش به سپردن سلاح به حکومت کابل و افغانستان نیست، منظورمدان قربانی مانند حزب اسلامی نیست، منظوم عدول از برنامه امارت اسلامی هم نیست. منظوم تمرکز در مذاکرات با تمام جوانب به شمول حاکمیت افغانی با مقر کابا این است تا بر میکامیزم توافق شود که اراده ملت مسلم به صورت آزاد و شفاف تأمین شود. طالب و همه مکلف اند دلایل حضور نیرو های مسلح خارجی را با قول و عمل خویش منتفی سازند. موضع، قول و عمل طالب به نام مذاکره در قطر در نقاط مرکزی چنان مواضع دارند که عملاً مذاکره و مصالحه را منتفی کرده و را دیگر جز جنگ و برادر کشی نمی گذارد. موضع فعلی طالب ( شما ) موضع تسلیمی حاکمیت از طریق معامله و زور است و این مصالحه سیاسی و مذاکره نیست و تناقض صریح در قول و فعل شما و عامل عمده تراژدی ملت افغان و تحقق اهداف دشمن و دلیل حضور نیروهای کفری در افغانستان است. این موضع شما با مواخذه الهی و ملت افغان ( ان شاء الله تعالی ) مواجه خواهد شد و روی سیاهی دنیا و آخرت دارد.

و ما علینا الا البلاغ المبین  
دوکتور صلاح الدین سعیدی